

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال هشتم، شماره سوم، پیاپی (۲۶)، پاییز ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۱

صص ۲۰۰ ° ۱۷۳

شکاف نسلی در بین دانش آموزان شهر اسدآباد

محمد سلمان قائمی زاده^۱، شکلیا کولیوند^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی تفاوت‌های موجود میان دو نسل والدین و فرزندان می‌پردازد و در تفسیر این تفاوت‌ها از نظریه‌های تغییرات اجتماعی و نوسازی اجتماعی استفاده شده است، یافته‌های این تحقیق با استفاده از پرسشنامه استاندارد شده و با روش پیمایش در میان ۱۵۰ نفر از دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی شهر اسدآباد بدست آمده است؛ نتایج تحقیق نشان از وجود شکاف نسلی دانش آموزان با والدینشان دارد، به گونه‌ای که بیشتر عوامل مورد بررسی دارای رابطه معناداری با میزان شکاف نسلی دانش آموزان با والدینشان دارد. به‌طور کلی نتایج این بررسی نشان از وجود رابطه معناداری بین میزان تحصیلات والدین، ارتباط صمیمی با خانواده، ارتباط دوستان، تفاوت سنی مادران با میزان شکاف نسلی در بین دانش آموزان داشت. در بررسی سایر عوامل مانند بعد خانوار و محل تولد والدین با میزان شکاف نسلی روابط

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان
Ghaemi22@Gmail.Com

۲- کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)

shkolivand1990@gmail.com

معنادار نبود.

واژه‌های کلیدی: اسدآباد، دانش آموزان، شکاف نسلی، نسل، والدین.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از عمده‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در تحولات اجتماعی و فرهنگی دوران معاصر وجود «شکاف نسلی» است. پدیده‌ای که خود در جریان تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی شکل گرفته است. با وجود این که در ادبیات اجتماعی سیاسی، جامعه ایران را با جامعه‌ای بیشتر سنتی تعریف می‌کنند، جامعه‌ای است که در جریان نوسازی قرار دارد؛ زیرا تلاش عمده فکری و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در گذر از مرحله سنتی به مدرن است. در این فرایند اولین اتفاق در حوزه جمعیتی رخ داده و جمعیت اصلی جامعه، جمعیت جوان است. این جمعیت به‌عنوان نسل در نظر گرفته می‌شود و در کنار میانسالان و پیران طیفی از رابطه تعاملی تا تراحمی دارند. این نسل‌ها، بیشتر در حوزه خانواده، با وجود پیوستگی تفاوت‌هایی نیز دارند (آزادارمکی، ۱۳۸۰: ۵۵). شکاف نسلی در پی فاصله نسلی ایجاد شده در دوره بحران تحقق می‌گیرد و عمدتاً پیامد ظهور نظام ارزشی و هنجارهایی نوین با شکل‌گیری گروه‌های سنی جوان جامعه با مظاهر جدید فرهنگی اعم از مادی و غیرمادی است (شفیعی، ۱۳۷۹: ۳۷۱)؛ شکاف نسلی، شکافی است که در مقطع زمانی معین بین جوانان و بزرگسالان یک جامعه از حیث فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، نگرشی و آگاهی وجود دارد (غفاری و قاسمی، ۱۳۸۳: ۳۵)؛ به طور کلی، شکاف نسلی اصطلاحی متداول برای توصیف تفاوت‌های عمیق درباره هنجارهای فرهنگی است که میان اعضای جوان تر و پیرتر یک جامعه رخ نموده است. در این حالت، افراد جوان تر و بزرگ تر هم‌دیگر را درک نمی‌کنند و دلیل آن نیز این است که تجربه‌ها، دیدگاه‌ها، عادت‌ها و رفتارهای دو نسل متفاوت است (مدقق ترگانی، ۱۳۸۷: ۱۰).

در شرایط تحول سریع جامعه به ویژه در دوران شهرگرایی و صنعتی شدن، بزرگسالان به دلیل ثبات ساختاری ذهنی و سنت‌گرایی و محافظه‌کاری خود متمایل به حفظ ارزش‌های فکری و فرهنگی خود می‌شوند و نمی‌توانند پایه‌های تحولات و نوآوری فرهنگی پیش بروند. در حالی که جوانان به دلیل اقتضای سنی خود، نوگرا هستند و اعتقاد و عمل به ارزش‌های سنتی

را غیر قابل قبول می‌شمارند. از این رو، برخورد ارزش‌های دو نسل متفاوت و عدم سازگاری-شان که در شرایط خاصی از تحوّل ایجاد می‌شود بحران ارزش‌ها می‌نامند (محمدی، ۱۳۸۱: ۵)؛ از سوی دیگر، گسترش ارتباطات بشری در روزگار حاضر، نسل جدید را با نوعی زندگی و زیستن متفاوت از نسل والدینشان آشنا کرده است و دل در گرو آن بسته و نسبت به زیستی دیگر تعلق خاطر، دلبستگی و اشتیاق بیشتری نشان می‌دهد و نسبت به زیستن والدینشان حالت گریز، بی‌اعتنایی و حتی مقاومت نشان می‌دهند. این فرایند، در نهایت منجر به نوعی تعارض، گسست یا شکاف میان نسل جدید و نسل قدیم می‌شود (قدیمی، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

موج مدرنیزاسیون که به همراه خود آموزش همگانی، گسترش رسانه‌های جمعی و بسیاری موارد دیگر را به همراه آورد، موجب افزایش دانستنی‌ها و آگاهی‌های عمومی نسل جدید شد و حوزه ارتباطات انسانی و اجتماعی آن‌ها را وسیع‌تر کرد. طبیعی‌ترین نتیجه این فرایند این است که نسل جدید، نسلی است که اولاً بسیار با شتاب اجتماعی می‌شود و ثانیاً در راه اجتماعی شدن، تنها منبع ارزش‌گذار او دیگر خانواده و سنت حاکم بر خانواده نیست، بلکه با فضای اجتماعی و فرهنگی جدیدتری آشنا شده که ارزش‌هایی متفاوت از ارزش‌های خانواده را آن‌ها تزریق می‌کند و عامل ایجاد نیازهای جدید در جامعه می‌شود. به بیانی ساده‌تر، زمان و فرهنگ و نیازهای زمانه دو عامل بنیادین در شکل‌دهی و صورت‌بندی خانواده محسوب می‌شوند (زمانیان، ۱۳۸۷: ۳۷)؛ البته شکاف و تضادهای نسلی، محدود به جهان مدرن نیست، بلکه ریشه در اعصار قدیمی دارد. با این حال شکاف بین ارزش‌های والدین و فرزندان در دهه ۲۰ و انتهای دهه ۳۰ قرن بیستم به اوج خود رسید. در دهه ۷۰ نیز محققان بحث مربوط به شکاف نسل‌ها را با کلی‌گویی و اطلاعات ناکافی در تحقیقات خود کلیشه‌بندی کرده‌اند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۱۵)؛ در ایران، با توجه به تغییرات سیاسی صورت گرفته و ظهور سریع ارزش‌های جدید و همین‌طور، با توجه به تغییرات سریع اجتماعی (پیدایش نسل تحصیل کرده‌ای که با نسل قبل از خود فاصله زیادی دارد)، مسئله شکاف نسل‌ها اهمیت زیادی دارد. از این رو، بررسی این پدیده با توجه به رابطه دانش‌آموزان و والدین می‌تواند پدیده‌های اجتماعی دیگری را نیز در پی داشته باشد؛ بنابراین، لزوم بررسی مسائل آن‌ها در ارتباط با خودشان، در تعامل با ساختار جامعه و دیگر نسل‌ها اهمیتی دو چندان می‌یابد. در نتیجه، بررسی این مسئله به مثابه نمونه‌ای بین

نسلی است، که حائز اهمیت فراوان است.

در تحقیق حاضر سعی بر این است که انگاره‌ای کلی از تأثیرات عوامل اجتماعی عمده به ویژه ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها بر شکل‌گیری و آسیب‌شناختی شخصیتی جوانان ارائه شود؛ چراکه بررسی آن، ما را با تغییرات سریع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در چند سال اخیر آشنا کرده و این‌که این تغییرات تا چه اندازه باعث شکاف نسلی گشته است، بیان می‌گردد.

مبانی نظری

بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی، حتی تاریخی جامعه ما متأثر از گزینش‌های متفاوت نسل‌هایی است که از پی هم می‌آیند و می‌روند. این پدیده‌ها در جامعه ما برجسته‌تر است؛ چراکه تفاوت‌ها و تمایزات موجود بین باورها، تفکرات، حتی تخیلات و مهم‌تر از همه ملاک‌های گزینش‌های نسل‌های مختلف در جامعه ما محسوس‌تر و ژرف‌تر است. درونی شدن آن باورها، نهادینه شدن همان رفتارها و به بار نشستن همین گزینش‌هاست که ماهیت و تحول هر یک از پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ما رقم می‌زند؛ اما همین رفتارها و پدیده‌های اجتماعی شکل گرفته توسط نسل‌ها تنها معلولی است که علل آن را باید برخاسته از تعاملاتی دانست که هر نسل در مواجهه با دنیای پیرامونش اتخاذ می‌کند. هرگاه تجارب و تعاملاتی که هر نسل صورت می‌دهد با تعاملات نسل‌های دیگر متمایز باشد، ملاک‌ها و دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی متفاوتی نیز بروز خواهند کرد و هرگاه این دستاوردها از فصل مشترک کمتری برخوردار باشند، تفاوت‌ها و تمایزات آنقدر برجسته خواهند بود تا به شکل پدیده‌ای متجلی شوند که آن را تحت عنوان «شکاف نسل‌ها» می‌شناسیم (احمدی‌علی‌آبادی، ۱۳۸۱: ۱)؛ به نظر بیشتر جامعه‌شناسان، جامعه امروزین ایران جامعه‌ای در حال گذار از سنت به مدرنیته است؛ بنابراین به ناچار با آثار ناشی از این گذار مواجه‌ایم که برای جلوگیری از صدمات جبران‌ناپذیر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... آن، نیازمند شناخت دقیق ریشه‌های اصلی هستیم؛ از جمله پیامدهای منفی دوران گذار می‌توان به وجود شکاف‌های اجتماعی اشاره کرد. شکاف‌های اجتماعی به معنای مرزهای تمایز و تعارض بر سر هنجارها، ایستارهای اجتماعی، سویه‌های اجتماعی، سویه‌ها و کارکردهای اجتماعی - فرهنگی گروه‌های مختلف فعال و یا

مؤثر در بافت‌های اجتماعی است (تاجیک، ۲۶۷۱۳۸۱).

پیشینه تجربی تحقیق

اگرچه موضوعات نسل و جوانان در بحث‌های تاریخی تفکرات اجتماعی و جامعه‌شناسی، موضوع جدی نیست، اما طرح مسئله شکاف نسلی سابقه طولانی ندارد. این مسئله پس از جنگ دوم جهانی و بویژه در دهه ۶۰ در جامعه اروپایی مطرح شده و چالش‌هایی بر سر آن در میان متفکران اجتماعی و جامعه‌شناسان به وجود آمده است (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۷). تاکنون محققان زیادی در جهان و ایران پیرامون نسل، شکاف نسلی و تأثیرات آن مطالعاتی داشته‌اند: (آی-استد^۱، ۱۹۵۹؛ اینگلهارت^۲، ۱۹۷۷؛ اسکات^۳، ۱۹۹۵؛ دس‌بک^۴، ۱۹۹۵؛ ترنر^۵، ۱۹۹۸؛ فری^۶، ۲۰۰۰؛ بیکر^۷، ۲۰۰۰؛ سگالن^۸، ۱۳۷۰؛ توکلی، ۱۳۸۰؛ آزادارمکی، ۱۳۸۰؛ پناهی، ۱۳۸۰؛ شوکر، ۱۳۸۱؛ تاجیک، ۱۳۸۱؛ احمدی‌علی‌آبادی، ۱۳۸۱؛ آقاجری، ۱۳۸۲؛ بنیام، ۱۳۸۲؛ سریع‌القلم، ۱۳۸۲؛ فیرحی، ۱۳۸۲؛ قادری، ۱۳۸۲؛ علیخانی، ۱۳۸۲؛ پناهی، ۱۳۸۳؛ معیدفر، ۱۳۸۳؛ یوسفی، ۱۳۸۳؛ توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵؛ پیشه‌ور و الفتی، ۱۳۸۶؛ نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۶؛ چیت-ساز قمی، ۱۳۸۶؛ قدیمی، ۱۳۸۷؛ مدقق‌ترگانی، ۱۳۸۷؛ نوروزی، ۱۳۸۷؛ قریشی‌محمدی، ۱۳۸۸؛ ساروخانی و صداقتی‌فرد، ۱۳۸۸؛ نوروزی، ۱۳۸۹؛ کمریگی، ۱۳۸۹؛ زارع و اصل‌روستا، ۱۳۸۹؛ یزدانی و قادری، ۱۳۹۰؛ ربانی و محمدزاده یزد، ۱۳۹۱).

پیشینه داخلی تحقیق

در پژوهشی با عنوان شکاف نسلی در ایران، تقی‌آزادارمکی در سال ۱۳۸۰ به بررسی این پدیده پرداخته است؛ در طی آن شکاف نسلی را پدیده‌ای دانسته است که در جریان تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی شکل گرفته است، ساختارشکنی جامعه سنتی که یکی از مهم‌ترین

1 Eisenstadt

2 Inglehart

3 Scott

4 Dassbach

5 Turner

6 Ferrari

7 Becker

8 Segalen

مؤلفه‌های آن سلطه پیران بوده، منجر به شکل‌گیری جامعه جدیدی شده که سه نسل پیران، میانسالان و جوانان هم‌پای یکدیگر رابطه‌ای بیشتر از نوع تزاومی دارند و این تحقیق می‌کوشد به این سوالات پاسخ دهد: الف) سه نسل مؤلفه‌های اصلی سازنده جامعه هستند یا خیر؟ ب) رابطه بین نسل‌ها تزاومی است یا توافقی؟ ج) کدام نسل بر جامعه مسلط و الگو دهنده است؟ وی در پاسخ به این سوالات با حجم نمونه ای ۳۸۳ نفر در شهر تهران، مصاحبه حضوری داشته و اطلاعات پس از گردآوری در پرسشنامه تجزیه و مورد بررسی قرار گرفته اند. به این نتیجه دست یافت که جامعه ایرانی با توجه به عوامل بیرونی اثرگذار خانواده و افزایش جمعیت جوان و نیازهای آن‌ها، با تفاوت نسلی روبرو شده است و جوانان به عنوان یک گروه اجتماعی جدید، ممتاز از نسل پیشین اندیشیده و عمل می‌کنند. با این حال از لحاظ نحوه گذران اوقات فراغت، دوست یابی، علائق و نیازها و توجه به زندگی خانوادگی، تفاوتی که نشان دهنده رویایی دو نسل باشد مشاهده نمی‌شود. هم چنین با توجه به اهمیت نهاد خانواده، آداب و سنن، هنجارها و نظام ارزشی آن، به عنوان مکانیسمی فرانسلی عمل کرده و سه نسل را با یکدیگر پیوند داده است.

پژوهشی دیگر با عنوان شکاف نسل‌ها، توسط مهناز توکلی در سال ۱۳۸۰ صورت گرفته است که در آن به تفاوت ارزش‌های دختران جوان و مادرانشان پرداخته است. وی در بخش تفسیر داده‌ها به این نتیجه رسیده است که شواهد تجربی برای اثبات شکاف ارزشی بین دو نسل در جمعیت نمونه این تحقیق بدست نیامد و کلاً نتایج حاصل از برخی تحقیقات نیز مؤید نبود شکاف نسلی و در حقیقت، وجود شباهت‌های ارزشی میان دو نسل است؛ حتی این نتیجه نیز حاصل گردید که فاصله نسلی از حیث ارزش‌های اجتماعی در سال ۱۳۷۴ نسبت به سال ۱۳۵۳ و ۱۳۵۸ کاهش یافته است.

پیشه‌ور و الفتی در سال ۱۳۸۵-۱۳۸۴ در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تفاوت نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی (ازدواج) بین دو نسل جوانان و والدین شهر گیلان غرب» به بررسی نگرش دو این نسل پرداخته اند. بدین منظور، از بین جوانان (۲۵-۲۰ سال) و والدین (۴۰-۶۰ سال) شهرستان گیلان غرب تعداد ۲۴۰ نفر انتخاب شدند. روش پژوهش، روش پیمایشی از نوع توصیفی - تبیینی بوده است. نتایج حاکی از این بودند که بین نگرش دو نسل

در مورد سن ازدواج پسران تفاوت معناداری وجود دارد؛ در حالی که در مورد سن ازدواج دختران میان نگرش دو نسل تفاوت معناداری نیست. هم‌چنین در خصوص بعضی از نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی مربوط به ازدواج بین دو نسل و نیز میان زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد و ارتباط میان سطح تحصیلات پاسخگویان و میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب تأیید شده و ارتباط متغیر مذکور با میزان استفاده از رسانه‌های دیداری و شنیداری تأیید نشده است. در نتیجه اینکه بین دو نسل از نظر استفاده از رسانه‌های شش‌گانه (کتاب، روزنامه، رادیو، تلویزیون، ویدیو و ماهواره) تفاوت معناداری وجود دارد.

پیشینه خارجی تحقیق

یکی از مهم‌ترین و نافذترین پیشینه در این مورد کتاب تحوّل فرهنگی در جامعه پیشرفته ۱۹۷۷ نوشته رونالد اینگلهارت است. وی در این کتاب، به دگرگونی ارزشی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته و نیز به نگرش‌ها و ارزش‌های جوامع متفاوت اشاره داشته است. در کل، ماهیت دگرگونی و علت‌ها و پیامدهای آن مورد بررسی قرار گرفته شده است.

مارتین سگالن در سال ۱۳۷۰ به بررسی روابط بین نسلی با دیدی خردنگرانه پرداخته است. او با استفاده از پژوهش متفکران دیگر چنین استدلال می‌کند که میان فرزندان با والدینشان بر سر موضوعات خاص و نه چندان مهم اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی بر سر مسائلی اساسی‌تر اشتراک نظر دیده می‌شود.

شکاف نسلی از جمله شکاف‌های اجتماعی است که به تعبیر ورنون مرتبط با ساختارهای اجتماعی است؛ که بیانگر ناسازگاری در منافع اقتصادی، اجتماعی گروه‌های مختلف اجتماعی است و به مقتضای برخی ویژگی‌های دگرگونی‌ناپذیر و پایدار در جامعه انسانی وجود دارد (تاجیک، ۱۳۸۱: ۲۶۸).

بنابراین تحقیقات انجام شده پیرامون شکاف نسلی، به بررسی عواملی چون رابطه نسل‌ها با هم، تفاوت نسلی، تفاوت در علائق و نیازها، شکاف ارزشی و نگرشی، میزان استفاده از وسائل ارتباط جمعی و همین‌طور میزان تحصیلات والدین پرداخته‌اند؛ که براساس این بررسی‌ها، میزان شکاف نسلی با رابطه میان نسل‌ها با هم رابطه معکوس دارد؛ به نوعی که با

افزایش این رابطه، میزان شکاف نسلی کاهش می‌یابد، از طرفی تفاوت‌های نسلی، تفاوت در علائق و نیازها، وجود شکاف ارزشی و همین‌طور میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی نیز ارتباط مستقیمی و معناداری با شکاف نسلی دارد؛ به نوعی که با افزایش آن‌ها میزان شکاف نسلی نیز افزایش می‌یابد.

چارچوب نظری

درباره موضوع شکاف نسلی، از سه نظریه (نظریه شکاف نسل‌ها، نظریه نوسازی اجتماعی و نظریه ستیزه‌گریان «مانهایم و جاکوبسن») استفاده شده است:

نظریه بنگستون

به نظر بنگستون، سه دیدگاه عمده درباره شکاف یا گسست نسلی وجود دارد:

- ۱- دیدگاهی که از وجود "شکاف بزرگ" حمایت می‌کند.
- ۲- دیدگاهی که در نقطه مقابل، شکاف بزرگ را توهم دانسته و آن را ناشی از فریب افکار عمومی از سوی رسانه‌های عمومی می‌داند.
- ۳- دیدگاه سوم، دیدگاهی است که بین دو دیدگاه پیشین و اعتقاد به وجود "گسست و تفاوت انتخابی" میان نسل‌ها دارد.

از آن‌جا که دیدگاه اول به نقطه نظر مورد بررسی ما نزدیک است به بیان آن می‌پردازیم؛ در توضیح پیروان دیدگاه اول: آن‌ها، بر این اعتقادند که شکاف میان جوانان و بزرگسالان بالنسبه گسترش یافته است. در این دیدگاه، فرهنگ جوانی از فرهنگ مسلط بزرگسالان که بر مبنای قبول ارزش‌های رایج است، جدا شده و در مخالفت با آن قرار گرفته است. از این نظر فرهنگ جدیدی در این جوامع رایج شده که بر اساس آن جوانان از میان معاصران، الگوهای نقشی خود را بر می‌گزینند؛ به طور کلی این دیدگاه ذهنی و فاقد داده‌های تجربی است. این دیدگاه، نمی‌تواند توضیح دهد که چرا ارزش‌ها و هنجارهای جوانان از ارزش‌ها و هنجارهای بزرگسالان تمایز یافته است. استدلال اساسی آن‌ها مبتنی بر ستیز رفتاری جوانان در برابر بزرگسالان است و بر اساس این تفاوت رفتاری حکم به ارزش‌های متفاوت می‌کنند (معیدفرو، ۱۳۸۳: ۵۷)؛ بدین منظور به بررسی ارتباط‌های موجود با دوستان براساس نظریه فرهنگی

پرداخته‌ایم؛ از طرفی نیز، بعد خانوار را نیز بررسی نمودیم.

نظریه نوسازی اجتماعی

این نظریه که تنها سویه‌ای از ابعاد نوسازی را مدنظر قرار می‌دهد بر این تأکید دارد که این جریان به شیوه‌ای تاریخی و زمان‌مند ادامه دارد، جریانی است که ویژگی‌های عمده آن خود مشتمل بر توسعه علم و فناوری، رشد اقتصادی، توسعه سازمان اجتماعی، دموکراتیک شدن جامعه، نوسازی ارزش‌های اجتماعی و شیوه‌های زندگی شهرنشینی و امثال آن است؛ علاوه بر این، هر جامعه به شیوه‌ای خاص خود جریان نوسازی اجتماعی را تجربه می‌کند و راهبرد مختص به خویش را اعمال می‌دارد و در آن به برنامه‌ریزی، جذب افکار و شیوه‌های خارجی و... اقدام می‌نماید. مجموعه چنین حرکتی به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر فرهنگ جدیدی را به همراه می‌آورد؛ که عاملان مستقیم و بلافصل آن نیز نسل‌های جوان‌تر جامعه هستند؛ و آن خود مرکز ثقل و نقطه وقوع فاصله نسبی و تفاوت نسل‌ها است (شیخی، ۱۳۸۲: ۳۴).

به عقیده بسیاری از محققان اجتماعی، نوسازی به طور عمده بر نظام اجتماعی، نظام سیاسی، آداب و ارزش‌های فرهنگی تأثیر می‌گذارند و انعکاس این قبیل تغییرات به سرعت در نسل جوان مشهود می‌گردد. از این رو دگرگونی نسلی جوان در قالبی طبیعی، قانونی و بر اساس زمینه‌سازی‌های قبلی صورت می‌گیرد؛ بنابراین، فاصله نسل‌ها نباید پدیده‌ای بعید، غیرعادی و پیش‌بینی نشده تلقی گردد (همان، ۳۴)؛ بدین منظور نیز در پژوهش خود به بررسی محل تولد پدران و فرزندان پرداخته شد؛ و مبنای بر متولد شدن در شهر و یا روستا قرار داده ایم.

نظریه ستیزه‌گرایان یا تضادگرایان

ستیزه‌گرایان در بین شکاف نسلی و در نهایت نقطه افراطی آن تضاد نسلی، معتقد هستند که طبقه‌بندی‌های مختلف نسلی در واقع قشربندی‌های اجتماعی می‌باشند؛ بنابراین آن‌ها از سلسله مراتب قدرت، مقام و ثروت طبقه‌بندی شده‌اند و در رقابت دائم برای منافع اجتماعی کمیاب می‌باشند. البته هر قشر معین منافع خاص خود را دارد که از آن دفاع می‌کند. به هر حال جامعه فقط امکانات مالی و منابع محدودی برای توزیع بین اقشار مختلف نسلی دارد و لذا برخورداری

یک قشر به زیان قشر دیگر منجر خواهد شد (رابرتسون، ۱۳۸۷: ۳۰۱)؛ از جمله نظریه‌های سئیزه-گرایان می‌توان به نظریه آگاهی مانهایم و نظریه جاکوبسن اشاره نمود:

نظریه آگاهی کارل مانهایم

مانهایم محور اصلی نظریه اش را بر "آگاهی" متکی ساخته است. بدین معنا که هر نسلی تجربه متفاوتی از نسل قبل از خود خواهد داشت و این تجربه نسلی خود باعث به وجود آمدن نوعی آگاهی نسلی می‌گردد که گرچه افراد متعلق به طبقات مختلف هستند و تجربه‌های متفاوتی را هم کسب می‌کنند؛ اما نسبت به تجربه مشترک در یک نسل موضع گیری مشترک و مشابه دارند. آگاهی متأثر از شیوه هستی و زندگی انسان‌هاست؛ بنابراین برای هر نسلی که هستی اجتماعی وی متفاوت از نسل گذشته باشد، آگاهی او هم متفاوت خواهد بود و به نسبت آگاهی متفاوت هم، دو نسل با هم فرق داشته و از هم فاصله خواهند داشت؛ بنابراین، درجه تفاوت نسلی تابعی از تغییرات افراد است؛ بدین منظور نیز در این پژوهش، به میزان دسترسی دانش‌آموزان به وسائل ارتباط جمعی و نقش آن‌ها در شکاف نسلی پرداخته و به تأثیر آن‌ها در ایجاد آگاهی در بین افراد پرداخته ایم.

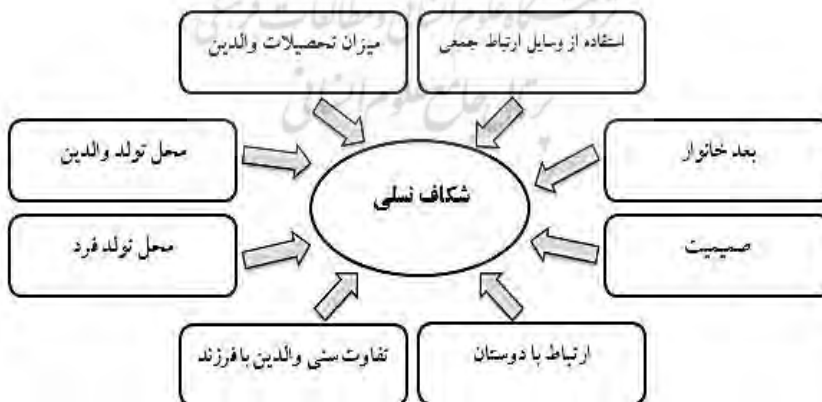
مانهایم معتقد بود که واقعیت تعلق داشتن به یک طبقه و یک نسل و یا یک گروه سنی، به افراد متعلق با این مقولات، موقعیت مشترکی در فراگرد تاریخی و اجتماعی می‌دهد، پهنه تجربه آن‌ها را به یک صورت خاصی محدود می‌سازد و آن‌ها را به یک شیوه فکری و تجربه خاص و یک نوع کنش تاریخی ویژه این موقعیت، متمایل می‌گرداند (کوزر، ۱۳۸۳: ۵۶۹)؛ از سوی دیگر، وی نیروهای جدیدی را زمینه‌ساز شکل‌گیری واحدهای نسلی می‌داند. پس شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری میان دو نسل (والدین و فرزندان) با وجود پیوستگی کلان، متأثر از ساخت اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با والدین با وجود این که در یک فضای فرهنگی مشترک زیست می‌کنند؛ اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت دارند (اسماعیلی مکرّم، ۱۳۸۳: ۱۴۰)؛ بنابراین براساس نظر وی، تغییر اجتماعی رخ داده در بخش مهمی از نسل جوان‌تر موجب امتناع، مخالفت و تغییر میراث فرهنگی ایجاد شده از نسل‌های کهن‌تر و پذیرفته شده از سوی بسیاری از معاصران آنان می‌-

شود (رایدر، ۱۹۶۵؛ به نقل از معیدفر، ۱۳۸۳: ۶۰).

نظریه جاکوبسن^۱

بنابر تحقیقاتی که جاکوبسن انجام داده است، شکاف نسلی در خانواده‌های با خاستگاه طبقه کارگر بیشتر است، زیرا چنانچه تحصیلات فرزندان و پدران را مدنظر قرار دهیم، این وضعیت پیچیده‌تر می‌شود. والدین طبقه پایین که فرزندانشان تحصیلات بالاتری نسبت به فرزندان با تحصیلات پایین هم طبقه شان دارند، شکاف نسلی بیشتری را تجربه می‌کنند و از سوی دیگر والدینی که سطح اقتصادی بالاتری دارند نسبت به دیگر والدین هم سطح خود سواد پایینی دارند، این‌ها فاصله بیشتری با فرزندانشان دارند (جاکوبسن، ۱۹۷۵: ۴۸). براساس این نظریه‌ها عواملی چون سطح تحصیلات والدین دانش‌آموزان، محل تولد خود و والدین آن‌ها، بعد خانوار، تفاوت سنی با والدینشان، میزان ارتباط آن‌ها با خانواده شان (صمیمیت)، میزان ارتباط آن‌ها با دوستانشان و نیز میزان استفاده و دسترسی به وسایل ارتباط جمعی در بین دانش‌آموزان، به عنوان عواملی که بر میزان شکاف نسلی اثرگذارند، مورد بررسی قرار گرفت؛ و تأثیر آن‌ها بر میزان شکاف نسلی سنجیده شد.

۳-۴) مدل نظری



فرضیات تحقیق

- به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات والدین و میزان شکاف نسلی رابطه معکوس معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین محل تولد والدین و میزان شکاف نسلی رابطه معکوس معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین محل تولد و میزان شکاف نسلی رابطه معکوس معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان شکاف نسلی رابطه معکوس معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بعد خانوار و میزان شکاف نسلی رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان صمیمیت با خانواده و میزان شکاف نسلی رابطه معکوس معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان ارتباط با دوستان و میزان شکاف نسلی رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تفاوت سنی والدین با فرزند و میزان شکاف نسلی رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

در این مقاله، متغیر وابسته «شکاف نسلی» است و متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: (۱) تحصیلات والدین، (۲) محل تولد والدین، (۳) استفاده از وسایل ارتباط جمعی، (۴) بعد خانوار، (۵) صمیمیت (ارتباط با خانواده)، (۶) ارتباط با دوستان و (۷) تفاوت سنی والدین با فرزند.

نسل: فاصله زمانی بین تولد اعضای از جامعه که هم‌زمان زاده شده‌اند و تولد فرزندان آن‌ها، دانشمندان علوم اجتماعی آن را از لحاظ آماری دوره‌ای معین فرض می‌کنند که معمولاً ۳۰ سال است (آزادارمکی، ۱۳۸۰: ۵۷).

ترول در ۱۹۷۵ پنج مفهوم متفاوت از نسل ارائه داده است که "نزل" آن را به چهار مفهوم تقسیم‌بندی کرده است: اول، نسل هم‌چون یک اصل و پایه نسبت خویشاوندی؛ دوم، هم‌چون

افراد گروه هم دوره؛ سوم، نسلی هم چون مرحله زندگی؛ و چهارم، نسل هم چون دوره تاریخی در نظر گرفته شود (دیوید، ۱۹۸۳؛ به نقل از نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۶: ۱۹۲)؛ که در این پژوهش، همزمانی زاده شدن افراد ملاک است.

شکاف نسلی: درباره اختلاف نسل‌ها با یکدیگر، مفاهیم متعددی به کار رفته است. گاهی صحبت از تفاوت نسلی شده است. تفاوت اندک دو نسل در ارزش‌ها یا هنجارها یا در نگرش‌ها، طبیعی بوده و تقریباً در همه جوامع و زمان‌ها وجود داشته است. این تفاوت عمدتاً ریشه‌ای روان‌شناختی دارد و افراد در سنین مختلف به دلیل شرایط متفاوت عاطفی و روانی از یکدیگر بازشناخته می‌شوند (اینگه‌هات، ۱۳۷۳: ۸۶) که از رایج‌ترین مفهومی که به کار رفته درباره اختلاف نسلی، مفهوم شکاف نسلی است. در فرهنگ آکسفورد، شکاف نسلی به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده است که موجب عدم فهم متقابل آنان از یکدیگر می‌شود (آکسفورد، ۲۰۰۰؛ به نقل از معی‌دفر، ۱۳۸۳: ۵۶).

در فرهنگ وبستر، این شکاف به عنوان اختلافی گسترده در خصلت‌ها و نگرش‌های میان نسل‌ها تعریف شده است (وبستر، ۲۰۰۴؛ به نقل از معی‌دفر، ۱۳۸۳: ۵۶)؛ به بیانی شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری ما بین دو نسل "از قبیل والدین و فرزندان" با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با والدین با وجود اینکه در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند؛ اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت دارند (آزادارمکی، ۱۳۸۰: ۶۵).

روش انجام این پژوهش، برای بررسی متغیرها، روش پیمایشی است و با استفاده از ابزار پرسشنامه استاندارد شده انجام گرفته است؛ پرسشنامه‌ای که مبتنی بر فرضیه‌های پژوهش‌اند استفاده شده است؛ که شامل مشخصات فردی و خانوادگی، و نیز سوالاتی در خصوص میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و ارتباطی، نحوه ارتباط با والدین و عواملی دیگر که موثر بر آن هستند. جامعه آماری در این پژوهش عبارت‌اند از دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی (دختر/ پسر) در شهر اسدآباد هم‌مدان در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶؛ که میزان آن تعداد ۵۳۶ نفر

دانش آموزان بوده است. از این تعداد، ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه و با روش نمونه گیری سهمیه‌ای انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ از این روش زمانی استفاده می‌شود که محقق شناخت دقیقی از عناصر انتخابی خود داشته باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌ها شامل یافته‌های توصیفی که مربوط به مشخصات زمینه‌ای دانش آموزان است؛ و یافته‌های استنباطی که به بررسی عوامل موثر دیگر بر میزان شکاف نسلی اشاره دارند:

یافته‌های توصیفی

نمونه آماری در بین دختران و پسران دانش آموزان به شکل ۵۰ درصدی و نصف به نصف انجام شده است؛ از این تعداد در واقع بیشترین فراوانی در گروه سنی ۱۸ ساله‌ها (۶۶درصد) بوده و کمترین فراوانی مربوط به جوانان ۲۰ساله با (۶درصد) است؛ و محل تولد بیشتر دانش آموزان در شهر (۷۶/۷ درصد) است.

جدول ۱: توزیع فراوانی حجم نمونه بر حسب مشخصات فردی

متغیر	بعد متغیر	فراوانی	درصد
سن	۱۷ سال	۱۰	۶/۷
	۱۸ سال	۹۹	۶۶
	۱۹ سال	۳۲	۲۱/۳
	۲۰ سال	۹	۶
جنسیت	پسر	۷۵	۵۰
	دختر	۷۵	۵۰
محل تولد	شهر	۱۱۵	۷۶/۷
	روستا	۳۵	۲۳/۳

بعد خانوار بیش از نیمی از دانش‌آموزان، بین ۴ تا ۶ نفره است (۷۴ درصد)؛ و کم‌ترین درصد مربوط به خانواده‌های با بعد ۷ نفر و بالاتر با (۱۰ درصد) است. بیشترین درصد سطح تحصیلات پدران دانش‌آموزان با (۷۲/۷ درصد) دیپلم و زیر دیپلم نیز است و بیشترین سطح تحصیلات برای مادران دانش‌آموزان با (۶۵/۴ درصد) و مربوط به زیر دیپلم است؛ در بررسی بعد خانوارهای این پژوهش، مشاهده می‌شود که بیشترین میزان برای بعد خانوار با (۷۴ درصد) مربوط به بعد خانوار با ۶-۴ نفر بوده است. محل تولد پدران دانش‌آموزان با (۵۶ درصد) در شهر بوده و ۴۴ درصد پدران آن‌ها، متولد روستا هستند؛ چنان‌که ادامه مشاهده می‌گردد، محل تولد مادران آنها با (۵۴/۷ درصد) در شهر و میزان (۴۵/۳ درصد) آن‌ها متولد روستا هستند. بیشترین تفاوت سنی پدران با فرزندان در حدود ۲۵ درصد است و مربوط به تفاوت سنی کمتر از ۲۵ سال بوده است؛ حال آن‌که این رقم این میزان در بین تفاوت سنی دانش‌آموزان با مادرانشان، در حدود (۶۹ درصد) است.

جدول ۲: توزیع فراوانی حجم نمونه بر حسب متغیرهای مربوط به خانواده فرد

متغیر	بعد متغیر	فراوانی	درصد
بعد خانوار	کمتر از ۴ نفر	۲۴	۱۶
	۴-۶ نفر	۱۱۱	۷۴
	۷ نفر و بالاتر	۱۵	۱۰
میزان تحصیلات پدر	دیپلم و زیر دیپلم	۱۰۹	۷۲/۷
	فوق دیپلم و لیسانس	۳۶	۲۴
	بالاتر از لیسانس	۵	۳/۳
میزان تحصیلات مادر	زیر دیپلم	۹۸	۶۵/۴
	دیپلم	۲۶	۱۷/۳
	فوق دیپلم و لیسانس	۲۶	۱۷/۴
محل تولد پدر	شهر	۸۴	۵۶
	روستا	۶۶	۴۴

۵۴/۷	۸۲	شهر	محل تولد مادر
۴۵/۳	۶۸	روستا	
۲۵/۳	۳۸	کمتر از ۲۵ سال	تفاوت سنی پدر
۴۸	۷۲	۲۵-۳۵ سال	
۲۱/۴	۳۲	۳۵-۴۵ سال	
۵/۳	۸	بیش از ۴۵ سال	
۶۹/۳۳	۱۰۴	کمتر از ۲۵ سال	تفاوت سنی مادر
۱۷/۳۳	۲۶	۲۵-۳۵ سال	
۱۳/۳۳	۲۰	بیش از ۳۵ سال	

الف) ارتباط با دوستان

در بررسی ارتباط دانش‌آموزان با دوستانشان، این متغیر با فاکتورهای زیر مورد سنجش قرار گرفتند:

- ۱- تعداد دوستان صمیمی آنها.
 - ۲- میزان گذراندن وقت با آنها، در طول هفته.
- بنابر بررسی انجام شده ۸۰ درصد دانش‌آموزان ۱ الی ۵ دوست صمیمی داشته‌اند؛ به نوعی - که می‌توان گفت اکثریت دانش‌آموزان دارای دوستان صمیمی بوده‌اند؛ اما از این میزان، ۶ درصد آنها وقت خود را با دوستانشان گذرانده و ۳۶ درصد آنها خیلی کم وقت خود را با دوستانشان می‌گذرانند.

جدول ۳: نحوه ارتباط دانش‌آموزان با دوستان

متغیر	بعد متغیر	فراوانی	درصد
تعداد دوستان صمیمی	ندارد	۳	۲
	۱-۵	۱۲۰	۸۰
	۶-۱۰	۲۷	۱۸
	خیلی زیاد	۹	۶
گذران وقت با دوستان	زیاد	۴۱	۲۷/۳
	کم	۳۱	۲۰/۷
	خیلی کم	۵۴	۳۶
	اصلاً	۱۵	۱۰

(ب) ارتباط با خانواده

در بررسی نوع و میزان ارتباط دانش‌آموزان با خانواده‌شان (پدر و مادر)، برای سنجش این متغیر از فاکتورهای زیر استفاده گردید:

- ۱- میزان در میان گذاشتن مشکلات با خانواده.
- ۲- میزان علاقه به گردش (رفتن به پارک) با خانواده.
- ۳- مشورت در انتخاب رشته تحصیلی.
- ۴- علاقه به موسیقی مورد علاقه والدین.
- ۵- نظر والدین در مورد نحوه پول خرج کردن دانش‌آموزان.
- ۶- موافقت والدین در مورد پوشش آن‌ها (مدل لباس و مدل موی آن‌ها).
- ۷- نظر والدین در مورد نحوه رفتار (صحبت و طرز نشست و برخاست) دانش‌آموزان.
- ۸- میزان موافق والدین در مورد مسائل مذهبی با دانش‌آموزان.
- ۹- میزان هم‌رای بودن افراد با والدین شان در انتخابات شورای شهر؛ بررسی‌های انجام شده پیرامون این موارد در جدول شماره (۴) بیان گردیده است:

جدول ۴: نحوه ارتباط دانش آموزان با خانواده

متغیر	بعد متغیر	فراوانی	درصد
در میان گذاشتن مشکلات با خانواده	خیلی زیاد	۲۶	۱۷/۳
	زیاد	۵۹	۳۹/۳
	کم	۳۴	۲۲/۷
	خیلی کم	۲۳	۱۵/۳
	اصلاً	۸	۵/۳
میزان علاقه به گردش با خانواده	خیلی زیاد	۲۲	۱۴/۷
	زیاد	۵۰	۳۳/۳
	کم	۴۰	۲۶/۷
	خیلی کم	۱۷	۱۱/۳
	اصلاً	۲۱	۱۴
مشورت در انتخاب رشته	بلی	۷۶	۵۰/۷
	خیر	۷۴	۴۹/۳
علاقه به موسیقی مورد علاقه پدر	خیلی زیاد	۷	۴/۷
	زیاد	۴۶	۳۰/۷
	کم	۳۶	۲۴
	خیلی کم	۴۳	۲۸/۷
	اصلاً	۱۸	۱۲
علاقه به موسیقی مورد علاقه مادر	خیلی زیاد	۷	۴/۷
	زیاد	۳۷	۲۴/۷
	کم	۴۰	۲۶/۷
	خیلی کم	۴۱	۲۷/۳
	اصلاً	۲۵	۱۶/۷
اهمیت نظر پدر در مورد خرج کردن پول	خیلی زیاد	۸	۵/۳
	زیاد	۷۳	۴۸/۷
	کم	۳۳	۲۲
	خیلی کم	۲۶	۱۷/۳
	اصلاً	۱۰	۶/۷

۱۶	۲۴	خیلی زیاد	اهمیت به نظر مادر در مورد خرج کردن پول
۳۸	۵۷	زیاد	
۱۷/۳	۲۶	کم	
۲۰/۷	۳۱	خیلی کم	
۸	۱۲	اصلاً	
۱۰	۱۵	خیلی زیاد	موافقت پدر در مورد پوشش
۴۲	۶۳	زیاد	
۱۴	۲۱	کم	
۲۶/۷	۴۰	خیلی کم	
۷/۳	۱۱	اصلاً	
۹/۳	۱۴	خیلی زیاد	موافقت مادر در مورد پوشش
۴۴	۶۶	زیاد	
۱۶	۲۴	کم	
۲۲/۷	۳۴	خیلی کم	
۸	۱۲	اصلاً	
۱۰/۷	۱۶	خیلی زیاد	موافقت پدر در مورد نحوه رفتار
۳۸	۵۷	زیاد	
۲۱/۳	۳۲	کم	
۲۵/۳	۳۸	خیلی کم	
۴/۷	۷	اصلاً	
۱۰/۷	۱۶	خیلی زیاد	موافقت مادر در مورد نحوه رفتار
۳۴	۵۱	زیاد	
۱۶	۲۴	کم	
۳۴	۵۱	خیلی کم	
۵/۳	۸	اصلاً	
۶/۷	۱۰	خیلی زیاد	میزان موافقت پدر در مورد مسائل مذهبی
۳۳/۳	۵۰	زیاد	
۱۸/۷	۲۸	کم	
۳۵/۳	۵۳	خیلی کم	
۶	۹	اصلاً	

۶	۹	خیلی زیاد	میزان موافقت مادر در مورد مسائل مذهبی
۳۹/۳	۵۹	زیاد	
۱۹/۳	۲۹	کم	
۲۶/۷	۴۰	خیلی کم	
۸/۷	۱۳	اصلاً	
۷/۳	۱۱	خیلی زیاد	میزان هم رای بودن افراد با پدر
۲۰/۷	۳۱	زیاد	
۱۷/۳	۲۶	کم	
۳۰/۷	۴۶	خیلی کم	
۲۴	۳۶	اصلاً	
۵/۳	۸	خیلی زیاد	میزان هم رای بودن افراد با مادر
۱۸/۷	۲۸	زیاد	
۱۵/۳	۲۳	کم	
۳۴/۷	۵۲	خیلی کم	
۲۶	۳۹	اصلاً	

میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی

در بررسی میزان استفاده دانش آموزان از وسایل ارتباط جمعی، این وسایل را به موارد زیر تقسیم بندی کرده و میزان استفاده از آن‌ها سنجیده شد: ۱- تلویزیون؛ ۲- ماهواره؛ ۳- اینترنت؛ ۴- روزنامه؛ ۵- مجلات و ۶- رادیو؛ که در بین این وسایل، اکثریت دانش آموزان (۵۴/۷ درصد) خود را با تلویزیون سرگرم می کنند.

جدول ۵: میزان استفاده دانش‌آموزان از وسایل ارتباط جمعی

متغیر	فراوانی	درصد
تلویزیون	۸۲	۵۴/۷
ماهواره	۱۳	۸/۷
اینترنت	۴۳	۲۸/۷
روزنامه	۵	۳/۳
مجلات	۴	۲/۷
رادیو	۱	۰/۷
هیچکدام	۲	۱/۳

یافته‌های استنباطی

- ۱- در فرضیه مربوط به رابطه میزان تحصیلات والدین با میزان شکاف نسلی دانش‌آموزان، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین میزان تحصیلات والدین با میزان شکاف نسلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؛ به معنای آن که هرچه سطح تحصیلات والدین افزایش یابد؛- میزان شکاف نسلی دانش‌آموزان کاهش می‌یابد (این نتیجه مطابق با نظریه جاکوبسن است).
- ۲- در فرضیه مربوط به رابطه محل تولد والدین با میزان شکاف نسلی دانش‌آموزان، چنان که در جدول بعدی مشاهده می‌شود رابطه معناداری بین آن‌ها وجود ندارد؛ به نوعی که محل تولد والدین نقشی در افزایش و یا کاهش میزان شکاف نسلی دانش‌آموزان نداشته‌اند.
- ۳- در فرضیه مربوط به میزان استفاده دانش‌آموزان از وسایل ارتباط جمعی و رابطه آن با میزان شکاف نسلی آن‌ها با والدینشان مشاهده شد که بین این دو رابطه معناداری وجود ندارد؛ این نتیجه که برخلاف پیش‌بینی‌های انجام شده و سایر مقالات موجود است؛ به نظر می‌رسد به دلیل شرایط سنی خاص و بحرانی دانش‌آموزان است؛ چرا که نمونه آماری ما از بین دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی انتخاب شده است که به کنکور نزدیک هستند.
- ۴- در فرضیه مربوط به بعد خانوار، مشاهده شد که بین بعد خانوار و میزان شکاف نسلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود ندارد.

۵- در فرضیه مربوط به میزان رابطه صمیمی با خانواده و میزان شکاف نسلی دانش آموزان مطرح گردید، بررسی‌ها حاکی از این امر بودند که بین میزان رابطه صمیمی خانواده و فرزندان با شکاف نسلی رابطه معناداری با ضریب وی کرامر (۰/۴۸) وجود دارد؛ بدین معنا که هر چه میزان صمیمیت با خانواده افزایش یابد، میزان شکاف نسلی کاهش می‌یابد و برعکس.

۶- در فرضیه مربوط به میزان ارتباط با دوستان و میزان شکاف نسلی دانش آموزان، از آزمون خی دو استفاده گردید؛ که نتایج بدست آمده با ضریب خی دو (۳۳/۶۷) و با سطح معناداری ۵ درصد، حاکی از این بود که با اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری بین میزان ارتباط با دوستان و میزان شکاف نسلی وجود دارد؛ به عبارتی هر چه میزان ارتباط با دوستان بیشتر باشد، میزان شکاف نسلی نیز بیشتر می‌شود.

۷- در فرضیه مربوط به رابطه میزان تفاوت سنی والدین با فرزندانشان، با میزان شکاف نسلی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد؛ بررسی‌های به عمل آمده در مورد تفاوت سنی پدران، نشان از این دارند که ضریب خی دو بدست آمده (۲۳/۷) در سطح معناداری ۵٪ دارای رابطه معناداری با میزان شکاف نسلی نیست؛ اما در مورد تفاوت سنی مادر با دانش آموزان این رابطه با ضریب خی دو (۲۶/۶۶) معنادار است؛ به نوعی که هر چه تفاوت سنی مادر و فرزند بیشتر باشد، میزان شکاف نسلی بیشتر و بالعکس تفاوت سنی کمتر، میزان شکاف نسلی کمتری را نیز به دنبال دارد.

جدول ۶: آزمون وی کرامر و خی دو بین میزان شکاف نسلی و متغیرهای مورد بررسی

Sig	X ²	V	رابطه متغیرها و میزان شکاف نسلی
۰/۰۰۰	--	۰/۳۴	میزان تحصیلات پدر
۰/۰۰۰	--	۰/۲۷	میزان تحصیلات مادر
۰/۰۵	۲/۷۶	--	محل تولد پدر
۰/۰۵	۴/۲۹	--	محل تولد مادر
۰/۰۵	۱۴/۷۳	--	استفاده از ارتباط جمعی
۰/۰۵	۱۹/۶۵	--	بعد خانوار

۰/۰۰۰	--	۰/۴۸	صمیمیت
۰/۰۰۱	۳۳/۶۷	--	ارتباط با دوستان
۰/۰۰۴	۲۹/۳۵	--	تفاوت سنی با پدر
۰/۰۰۳	۲۶/۶۶	--	تفاوت سنی با مادر

بر اساس بررسی این متغیرها، نتایج حاکی از این امر بود، که شکاف نسلی در بین این دانش‌آموزان با والدینشان، وجود دارد؛ اگرچه این میزان کم است؛ بطور کلی، چنان‌که در ادامه در جدول شماره (۷) نیز مشاهده می‌گردد، شکاف نسلی با میزان خیلی کم، دارای میزانی در حدود (۲۳.۵ درصد) و میزان خیلی زیاد شکاف نسلی در بین این دانش‌آموزان، در حدود (۱۳.۵ درصد) است.

جدول ۷: شکاف نسلی بر حسب متغیرهای مورد بررسی

میزان شکاف نسلی	درصد
خیلی زیاد	۱۳/۳
زیاد	۲۲/۷
کم	۴۰/۷
خیلی کم	۲۳/۳
اصلاً	۰

بحث و نتیجه‌گیری

جوامع مختلف در مقاطع زمانی متفاوت با پدیده شکاف نسل‌ها روبه‌رو بوده‌اند. این مسئله یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی مورد توجه جامعه‌شناسان در کشورهای مختلف بوده است. شکاف نسل‌ها، به ویژه در جوامعی که در مرحله گذر تاریخی خود از جامعه سنتی به توسعه اجتماعی گام بر می‌دارند واقعیتی اجتناب‌ناپذیر و مطالعه‌ویژگی‌ها و عوامل آن از اهمیت خاصی برخوردار است. جامعه ما، به عنوان یک جامعه در حال گذار، مواجه با این

پدیده است. این پدیده، به‌ویژه پس از انقلاب ارتباطات در کشورمان در دهه ۱۹۹۰ میلادی (۱۳۷۰ ه.ش) وارد مرحله تازه‌ای شد. تفاوت در پوشش، رفتارهای اجتماعی، معاشرت‌ها، تغذیه و... در تمامی عرصه‌های اجتماعی قابل مشاهده است. این نشان از یک فاصله و شکاف عمیق است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق است.

بخشی از عوامل اثرگذار بر پدیده گسست نسل‌ها، عواملی اجتماعی هستند که از آن‌ها با عنوان عوامل ساختاری و فرهنگی یاد می‌شود؛ بنابراین، دسته‌ای از راهکارها باید شکل ساختاری داشته باشند و مسئولان امور فرهنگی در دراز مدت به آن توجه کنند. عوامل ساختاری به راهکارهایی گفته می‌شود که زمینه تعامل اعضای خانواده را بیشتر می‌کنند. به عبارتی ایجاد شرایطی است که در آن، افراد در معرض تعامل فراینده‌ی قرار می‌گیرند و این تراکم تعامل موجب می‌شود که اعضا نسبت به نگرش‌های هم‌دیگر درک بهتری داشته باشند. به‌طور کلی، با توجه به مطالب فوق می‌توان دریافت شکاف نسلی در بین دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی شهرستان اسدآباد همدان مشهود است و عوامل تأثیرگذار مورد بررسی این پژوهش کماکان رابطه معناداری با شکاف نسلی دارا بوده است:

چنان‌که، با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که بین سطح تحصیلات والدین با شکاف نسلی رابطه وجود دارد؛ یعنی با افزایش یا کاهش سطح تحصیلات والدین شکاف نسلی افزایش یا کاهش می‌یابد. طبق یافته‌های تحقیقات مشابه (قدیمی، ۱۳۸۷) خانواده‌هایی که در طبقات پایین جامعه زندگی می‌کنند و فرزندان آن‌ها دارای تحصیلات عالی می‌باشند؛ شکاف نسلی بیشتری احساس می‌شود. پس بهتر است والدین تا جایی که امکان دارد با بالا بردن سطح زندگی خود و درک متقابل فرزندانشان، خود را با آن‌ها هماهنگ و رابطه خود را با آن‌ها صمیمی‌تر سازند؛ از طرفی بین ارتباط با دوستان دانش‌آموزان با شکاف نسلی رابطه وجود دارد؛ به نوعی که هر چه میزان ارتباط با دوستان بیشتر باشد؛ میزان شکاف نسلی نیز بیشتر می‌شود. پس نوع ارتباطات و نوع دوستی‌ها امری بسیار مهم تلقی می‌شود که بایستی بدان توجه نمود. مسئله دیگر که در اینجا باید بدان خاطر نشان کرد، این امر است که بین تفاوت سنی مادر با فرزند و میزان شکاف نسلی رابطه وجود دارد. به عبارتی هرچه تفاوت سنی مادر و فرزند بیشتر باشد، میزان شکاف نسلی بیشتر و بالعکس تفاوت سنی کمتر میزان شکاف نسلی

کمتری را نیز در پی دارد.

منابع

- ۱- احمدی علی آبادی، ک. (۱۳۸۱)، علل بازآفرینی شکاف نسل‌ها در جامعه، نشریه حیات نو.
- ۲- اسماعیلی مکرّم، پ. (۱۳۸۳)، شکاف بین نسل‌ها، نشریه رسالت.
- ۳- اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳)، تحوّل فرهنگی در جوامع صنعتی، مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- ۴- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۰)، شکاف نسلی در ایران، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴.
- ۵- آقاجری، ه. (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ۶- بنیام، --- (۱۳۸۲). پیوستگی یا گسستگی نسلی بین والدین و فرزندان تهرانی، تهران: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
- ۷- پناهی، م. (۱۳۸۰)، فاصله نسلی و اختلافات خانوادگی و چگونگی برخورد با آن، فصلنامه علوم انسانی، دانشگاه الزهراء، سال یازدهم، شماره ۳۷-۳۸.
- ۸- پناهی، م. (۱۳۸۳)، شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن، نشریه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲۷.
- ۹- پیشه‌ور، ا. و الفتی، ع. (۱۳۸۶)، تفاوت نسلی در گیلان غرب، مطالعات جوانان، شماره ۱۱-۱۰.
- ۱۰- تاجیک، م. (۱۳۸۱)، جامعه ایران و شکاف میان نسل‌ها، نشریه راهبرد، شماره ۲۶.
- ۱۱- توکل، م. و قاضی نژاد، م. (۱۳۸۵)، شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی، بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷.

- ۱۲- توکلی، م. (۱۳۸۰)، بررسی نظام ارزش‌های دو نسل دخترانی (نسل انقلاب) و مادران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۳- چیت‌ساز قمی، م. (۱۳۸۶)، بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی، نشریه: علوم انسانی، جوان و مناسبات نسلی، شماره اول.
- ۱۴- رابرتسون، ر. (۱۳۸۷)، جهانی‌شدن، نظریه‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- ۱۵- ربانی، ع. و محمدزاده یزد، ع. (۱۳۹۱)، بررسی کیفی شکاف نسلی ارزشی بین مادران و دختران در مشهد با تأکید بر ارزش‌های دینی، نشریه: علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴۶.
- ۱۶- زارع، ب. و اصل‌روستا، ا. (۱۳۸۹)، بررسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان درباره معیارهای انتخاب همسر در شهر هشتگرد، مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱.
- ۱۷- زمانیان، ع. (۱۳۸۷)، تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
- ۱۸- ساروخانی، ب. و صداقتی فرد، م. (۱۳۸۸)، شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم.
- ۱۹- سریع‌القلم، م. (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ۲۰- سگالن، م. (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی تاریخ خانواده، حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- ۲۱- شوکر، ر. (۱۳۸۱)، نسل‌من، شیفتگان و خرده فرهنگ‌ها، مترجمان: شهریار وقفی‌پور و مراد فرهادپور، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۸.
- ۲۲- علیخانی، ع. (۱۳۸۲)، نگاهی به گسست نسل‌ها، جهاد دانشگاهی و پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی وزارت کشور، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی.
- ۲۳- غفاری، م. و قاسمی، ع. (۱۳۸۳)، شکاف نسلی و دموکراسی در ایران (۱۲۳۲-۱۳۸۲)، مجله علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی شهر.

- ۲۴- فیرحی، د. (۱۳۸۲)، درآمدی نظری بر سیلان یا انقطاع نسل‌ها در ایران، مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ۲۵- قادری، ح. (۱۳۸۲)، انقطاع نسل‌ها - انقلابی کامل، مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ۲۶- قدیمی، م. (۱۳۸۷)، بررسی شکاف نسلی در بین دانش‌آموزان شهر زنجان، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، شماره ۱۲.
- ۲۷- قریشی‌محمدی، ع. (۱۳۸۸)، بررسی مسئله شکاف نسلی در خانواده‌های ایرانی (مطالعه موردی: گرگان)، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، شماره ۴۵.
- ۲۸- کمربگی، خ. (۱۳۸۹)، شکاف نسلی و جوامع در حال گذار بررسی و تبیین مساله شکاف نسلی در ایلام، نشریه: علوم اجتماعی، فرهنگ ایلام، شماره ۲۶-۲۷.
- ۲۹- کوزر، ل. (۱۳۸۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی، چاپ یازدهم.
- ۳۰- مدقق ترگانی، ع. (۱۳۸۷)، پیامدهای گسست میان نسل‌ها و راهکارهای مقابله با آن، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول.
- ۳۱- معیذفر، س. (۱۳۸۳)، شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴.
- ۳۲- نوروزی، ف. (۱۳۸۹)، شکاف نسلی از لحاظ ارزش‌های مذهبی بین دو نسل دختران و مادران (مطالعه موردی دبیرستان‌های شهر جهرم)، نشریه: علوم انسانی، پیک نور، شماره ۲۹.
- ۳۳- نیازی، م. و کارکنان نصرآبادی، م. (۱۳۸۶)، تبیین جامعه‌شناختی پدیده شکاف نسل‌ها و علل و عوامل آن، نشریه علوم سیاسی، سیاست داخلی، سال اول، شماره ۲.
- ۳۴- یزدانی، ع. و قادری، ع. (۱۳۹۰)، شکاف نسل‌ها؛ بررسی جامعه‌شناختی فاصله نسل‌ها از انقلاب اسلامی تاکنون، نشریه علوم سیاسی: مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۴.

۳۵- یوسفی، ن. (۱۳۸۳)، شکاف بین نسل‌ها، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.

- 36- Becker, Henk A .(2000), Discontinuous Change and Research on Generations, available online at research. Fss. un nl/hb/disc.Log.htm.
- 37- Dassbach, Dassbach, Charl, H .A .(1995), Long Waves Historical Generation: A World System Approach, Michigan Technological university, Dep. of. Social Sciences.
- 38- Eisenstadt, S.N .(1959), From Generation to Generation: Age groups and social structure, London, Gelencoe.
- 39- Jacobsen, R, Brook & Berry, kennethj,et .(1975), Anempirica ,(Test Of The Generation Gap: A Comparative Inter Family Study), journal of marriage and the family.
- 40- Oxford, advanced Learner 's Dictionary.(2000), Oxford university press.
- 41- Ryder, Norman .B. (1965), The Cohort As A Concept In The Study Of Change, American Sociological, Review 30.
- 42- Scott, Jacqueline, Shuman, Howard .(1995), Generation and Collective Memmories, American Sociological Review, Vol.54.
- 43- Turner, Bryan. S. (1998), Aging, Generations, British Jornal of Sociology, Vol. 46, Issue.2.
- 44- Webster, www.webster-dictionary.org.